

# کتاب‌های درسی و تحول نظام تربیت

سید میثم موسوی

تصویرگر

علی امینیان



یکی از ارکان نظام تربیت<sup>۱</sup>، برنامه درسی و تربیتی است که به مثابه نرم‌افزار سیستم‌عامل این سامانه، راهبری آن را به عهده دارد. خوشبختانه ابعاد و جوانب گوناگون این برنامه شامل مبانی، چشم‌انداز، اصول، جهت‌گیری کلی، الگوی هدف‌گذاری، هدف کلی، شایستگی‌های پایه، حوزه‌های تربیت، اصول انتخاب راهبردهای یاددهی-یادگیری، اصول ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، فرایند تولید و اجرای برنامه‌ها، سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری، ساختار و زمان آموزش، سیاست‌ها و الزامات اجرایی و بالاخره ارزشیابی خود این برنامه درسی، همه و همه، به‌خوبی و با جزئیات لازم در سند «برنامه درسی ملی» دیده شده‌اند و زیرنظام «برنامه درسی ملی» سند تحول هم از آن پشتیبانی می‌کند.

البته مشهور است، بعد از جلسات و شوراهای متعدد با حضور اندیشمندان و سیاست‌ورزان، تصویب قوانین و طراحی برنامه‌ها و کتاب‌ها، و ابلاغ انواع آیین‌نامه و شیوه‌نامه و بخشنامه، در نهایت این معلم است که در کلاس را می‌بندد و نسل آینده را به‌گونه‌ای که درست می‌داند، تربیت می‌کند. باز هم خوشبختانه در اسناد بالادستی نظام تربیت در کشورمان، محوریت و مرجعیت معلم در تربیت کاملاً به رسمیت شناخته شده است؛ به نحوی که هیچ سیاست و برنامه‌ای نباید این محوریت را مخدوش کند.<sup>۲</sup> پس به‌طور منطقی، اساس تحول در این نظام هم تحول در نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانش معلمان خواهد بود و بقیه اجزای سامانه تربیت حول جایگاه معلم تعریف و سامان‌دهی می‌شوند.<sup>۳</sup> البته زیرنظام «تربیت‌معلم و تأمین منابع انسانی» هم پشتیبان این امر خواهد بود. پس طبیعی است، هرگونه تلاشی برای ایجاد

دگرگونی در نظام تربیتی کشور، قبل از همراه کردن معلمان با آن، محکوم به شکست است. این قاعده شامل کتاب‌های درسی هم می‌شود. امروزه برای کمک به معلم یا مربی در راه تحقق اهداف برنامه درسی، بسته‌های یادگیری تعریف و تدوین می‌شوند. بسته یادگیری، مجموعه‌ای هماهنگ از رسانه‌های آموزشی است که شامل منابع اصلی و تکمیلی می‌شود. منظور از منابع اصلی، کتاب راهنمای معلم، کتاب درسی، کتاب کار دانش‌آموز و کتاب ارزشیابی است. منابع تکمیلی نیز می‌توانند مجموعه‌ای از کتاب‌ها و مجلات مرتبط با موضوع، ابزار و لوازم کار برای معلم یا دانش‌آموز (مثل انواع ابزار و کیت کارگاهی و آزمایشگاهی یا لوحه آموزشی) و در نهایت امکانات ارائه شده در سایت‌ها و نرم‌افزارها و نیز محصولات چندرسانه‌ای باشد. خوشبختانه در سند تحول بنیادین هم جایگاه این بسته‌ها به‌خوبی تبیین شده است.<sup>۴</sup>

کتاب درسی اصلی‌ترین جزء بسته یادگیری است که باید براساس برنامه و اهداف مشخص‌شده در اسناد بالادستی و با حجمی مشخص تدوین شود. کتاب درسی، مفهوم برنامه درسی و ساختارها را به طریقی که برای تربیت، آموزش و یادگیری مناسب است، تبیین و تفسیر می‌کند. دانش‌آموزان، معلمان، متولیان، علاقه‌مندان و ذی‌نفعان این حوزه و نیز دوستان و دشمنان کشور و انقلاب، با حساسیت بسیار بالا، کتاب درسی را از لحاظ ابعاد فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی جغرافیایی و زمانی رصد می‌کنند. هرگونه تغییر و اصلاح کتاب درسی بحث‌های زیادی را در پی خواهد داشت. این موضوع حساسیت و اهمیت زیاد کتاب‌های درسی را در فضای عمومی کشور نشان می‌دهد.



به همین دلیل، اخیراً سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی «شیوه‌نامه تغییر کتاب‌های درسی» را در راستای روزآمدسازی نظام‌مند و اصولی محتوای کتاب‌های درسی و به‌منظور اجتناب از هرگونه اصلاحات بدون پشتوانه پژوهشی و مبتنی بر تصمیمات شورای برنامه‌ریزی هدایت تحصیلی وزارت آموزش و پرورش، تدوین کرده است.

ملاحظه می‌شود که از سند تحول، زیرنظام برنامه درسی ملی، سند برنامه درسی ملی و ... تا شیوه‌نامه تغییر کتاب‌های درسی، همگی با در نظر داشتن تجربه‌های پیشین، آسیب‌های قبلی و دغدغه‌های آگاهان دلسوز، با دقت تدوین شده‌اند.

اما چرا همچنان کتاب‌های درسی کیفیت مطلوب را ندارند؟ هنوز هم شاهد انتقادات متعددی درباره کتاب‌های درسی هستیم؛ مواردی مثل:

■ ارائه حجم عظیمی از اطلاعات و تکیه بیش از اندازه بر محفوظات؛

■ آماده‌نکردن نسل آینده برای رفع مشکلات ساختاری جامعه؛  
■ ارتباط‌نداشتن محتوای کتاب درسی با نیازهای واقعی دانش‌آموزان در آینده؛

■ توجه‌نکردن به سبک‌های گوناگون یادگیری دانش‌آموزان؛  
■ ضعف‌های گرافیکی و استفاده‌نشدن از طرح، نمودار، جدول و عکس به‌صورت حرفه‌ای و اختصاصی؛

■ ضعف‌هایی در مشخصات فیزیکی کتاب (قطع، جنس کاغذ، تعداد صفحات، اندازه قلم و کیفیت چاپ) و رعایت تناسب آن‌ها با مخاطب؛

■ بی‌توجهی به ایجاد علاقه و تشنگی کافی درباره موضوع درس و تدارک زمینه لازم برای مطالعه و تحقیق بیشتر؛

■ ضعف ارتباط عمودی و افقی مطالب در طول و عرض دوره تحصیلی. منظور از رابطه افقی یا عرضی، سازگاری و پشتیبانی مفاهیم درسی از یکدیگر در کتاب‌های درسی هر پایه تحصیلی و منظور از رابطه عمودی یا طولی، سازگاری و پشتیبانی مفاهیم درسی از یکدیگر در کتاب‌های درسی پایه‌های گوناگون تحصیلی است.

■ پشتیبانی‌نکردن از کتاب در فضای مجازی (مثلاً با استفاده از رمزبینه‌های پاسخ سریع (QR) و ارائه اطلاعات تکمیلی چندرسانه‌ای؛

■ بالاتکلیفی سیاست‌چندتألیفی بودن کتاب‌های درسی در عمل؛ هر یک از مشکلاتی که منتقدان در مورد آن‌ها هشدار داده‌اند، ناشی از عملیاتی‌نشدن بخشی از این اسناد، اهداف، سیاست‌ها و تصمیمات کلان است. البته انتقاداتی که به خود این اسناد وارد شده هم در جای خود حتماً قابل بررسی است، اما به نظر می‌رسد مشکل اصلی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نیست، بلکه در نظام اجرایی و مدیریت عملیاتی آن‌هاست.

مثلاً در مورد سند تحول، این مشکلات در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برجسته شده‌اند: نظارت

راهبردی بر اجرای سند تقریباً صورت نگرفته است؛ سند در بازه‌های زمانی پنج‌ساله ترمیم و بازنگری نشده است؛ شش زیرنظام اجرایی سند در بازه زمانی یکساله مقرر در فصل هشتم سند تصویب نشده‌اند؛ در حوزه قانون‌گذاری تقریباً هیچ قانونی در خصوص اجرای سند به تصویب نرسیده است. همچنین، برای همکاری سایر نهادها و دستگاه‌ها و شاخص‌های عملیاتی کمی و کیفی، نقشه راه قابل رصد، سنجش و ارزیابی تهیه نشده است.<sup>۷</sup> مشکلات اجرایی و عملیاتی مورد اشاره منتقدان، هر چند ممکن است دلایل متفاوت و حتی موجهی داشته باشند، اما این‌ها مواردی نیستند که در «مدیریت تحول» ناشناخته و بدون راه‌حل باشند. بدون شک، با تقویت ساختارهای موجود و اعتماد به نیروهای جوان، بهره‌گیری از افراد صاحب تجربه و استفاده

از دستاوردهای علم مدیریت در زمینه تحول، قابل حل هستند. نگرانی اصلی، از دست‌رفتن زمان برای تربیت نسل بعدی ایران اسلامی است.

#### \* پی‌نوشت‌ها

۱. واژه «تربیت» در صفحه ۲۰ کتاب «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» (آذر ۱۳۹۰)، به عنوان جایگزین مناسبی برای عبارت‌هایی مثل «تعلیم و تربیت» یا «آموزش و پرورش» معرفی شده است، اما کتاب مذکور و همچنین خود سند تحول، هیچ یک حتی در عنوان خود به این نکته پایبند نبوده‌اند!

۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم، راهکار ۷-۸: «تأکید بر معلم‌محوری در رابطه با معلم و دانش‌آموز در عرصه تعلیم و تربیت و جلوگیری از اجرای هر سیاست و برنامه نظری و عملی که این محوریت را مخدوش نماید.»

۳. سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بند ۴-۳: «اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی): برنامه‌های درسی و تربیتی به نقش مرجعیت معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و تربیت‌پذیری و ترغیب آنان به یادگیری مستمر، توجه نمایند...»

۴. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم، راهکار ۹-۱۲: «حاکمیت برنامه‌محوری به جای کتاب‌محوری و تولید بسته آموزشی در برنامه‌های درسی با رعایت اصل معلم‌محوری.»

۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم، راهکار ۲-۱۷: «تولید و به‌کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز دانش‌آموزان و مدارس با مشارکت بخش دولتی و غیردولتی و الکترونیکی کردن محتوای کتاب‌های درسی بر اساس برنامه درسی ملی (با تأکید بر استفاده از ظرفیت چندرسانه‌ای) تا پایان برنامه پنجم توسعه کشور.»

۶. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم، راهکار ۷-۵: «طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف‌پذیر، متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و محیطی استعدادها و گوناگون دانش‌آموزان، به منظور شکوفایی استعدادهای خاص و افزایش کارآمدی و مفیدبودن آن‌ها.»

۷. موسی بیات و امیرحسین غفاری (۱۳۹۹/۱۱/۴). موانع اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. شماره مسلسل ۱۷۳۷۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



**کتاب درسی اصلی‌ترین جزء بسته یادگیری است که باید براساس برنامه و اهداف مشخص شده در اسناد بالادستی و با حجمی مشخص تدوین شود**